مطالعات تاریخ اسلام
سال دوازدهم/ شمارهٔ ۴۶/ پاییز ۱۳۹۹

بررسی جایگاه سلطان جهان‌بیگم در نوسازی آموزش زنان مسلمان هند (۱۹۰۱-۱۹۲۶م)

محسن معصومی[۱]
وفا یزدانمنش[۲]
سعید شیرازی[۳]

چکیده: حضور اروپایی‌ها به‌ویژه بریتانیایی‌ها در هند، موجب شد مسلمانان از سدهٔ نوزدهم با غرب و پیشرفت‌های آن آشنا شوند. سلطان جهان‌بیگم که به سبب حضور بریتانیایی‌ها در هند و ارتباط نزدیک با آنها و نیز سفر به اروپا، به شدت تحت تأثیر پیشرفت‌های غرب به‌ویژه در ارتباط با آموزش نوین زنان قرار گرفته بود، نه تنها آموزش زنان مسلمان را لازم و ضروری می‌دانست، بلکه اهمیت بیشتری برای آموزش آنها نسبت به مردان قائل بود و باور داشت که چنانچه زنان آموزش ببینند خانواده و جامعه نیز پیشرفت خواهد کرد؛ به همین دلیل او بخش مهمی از دوران حیاتش را صرف آموزش دختران و زنان مسلمان کرد. بر این اساس، در پژوهش حاضر که به شیوهٔ کتابخانه‌ای تدوین شده، پس از آشنایی مختصر با زندگی سلطان جهان‌بیگم، اقدامات او در ارتباط با آموزش دختران و زنان مسلمان بررسی شده است. بررسی اقدامات سلطان جهان‌بیگم برای نوسازی آموزش زنان مسلمان هند مسئلهٔ اصلی نوشتار حاضر است. نگارندگان نوشتار حاضر در پی پاسخگویی به این پرسش‌اند که در دیدگاه نوگرایانهٔ سلطان جهان‌بیگم چه اقداماتی به مثابه نوسازی آموزش زنان مسلمان هند بود؟ مدعای اصلی پژوهش، سلطان جهان‌بیگم را به عنوان زنی پیشرو در امر نوسازی آموزش و به‌ویژه آموزش زنان مسلمان هند مطرح می‌سازد که برای پیشبرد اهداف آموزشی خود، به اقدامات عملی و نظری گوناگونی مانند ایجاد نشریه، تألیف و ترجمهٔ کتاب‌های آموزشی و نیز ساخت مدارس پرداخته است.

واژه‌های کلیدی: نوگرایی در هند، بیگم‌های بوپال، سلطان جهان‌بیگم، آموزش زنان.

۱ دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) mmassumi@ut.ac.ir
۲ استادیار دانشکده زبانها و ادبیات خارجی v.yazdanmanesh@ut.ac.ir
۳ دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران saied.shirazi1363@ut.ac.ir
تاریخ دریافت: ۹۹/۴/۳۱ تاریخ تأیید: ۹۹/۷/۱۵

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.7.9]

Sultan Jahan Begum and Evolution of Muslim Female Education (1901-1926AD)

Mohsen Masumi[1]
Vafa Yazdanmanesh[2]
Saeid Shirazi[3]

Abstract: When British came to India in the 19th century, Muslims were also faced with West and its accomplishments as well. Sultan Jahan Begum, the last Begum of Bhopal, was one of the most significant and influential Muslims who had a well-connected and close relationship with British in this time. She not only considered education of Muslim women necessary, but also attached more importance to their education than men, and believed that if women were properly educated, the family and, consequently, society would prosper. Therefore, she spent an important part of her life in educating Indian Muslim girls and women. In this research, which is carried out using desk study method, after a brief introduction to Sultan Jahan Begum, her activities on the education of Muslim girls and women are described. Findings show that Sultan Jahan Begum has taken various practical and theoretical measures to advance her educational aims.

Keywords: Modernity in India, Begums of Bhopal, Sultan Jahan Begum, women education.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.7.9]

1 Associate Professor, Department of History and Civilization of Islamic Nations, University of Tehran (Corresponding Author), mmassumi@ut.ac.ir
2 Assistant Professor, Faculty of Foreign Languages and Literatures, v.yazdanmanesh@ut.ac.ir
3 PhD student in History and Civilization of Islamic Nations, University of Tehran, saied.shirazi1363@ut.ac.ir

مقدمه

بحث نوگرایی در جهان اسلام جنبه‌های مختلفی از زندگی مسلمانان را در برمی‌گرفت؛ با این حال نوگرایی در حوزهٔ زندگی زنان سهم کمتری از این مباحث را به خود اختصاص می‌داد. علاوه بر بحث‌های اعتقادی و دینی در این باره، انبوه مسائلی که حکومت‌های مسلمانِ شرق در روند نوگرایی با آن درگیر بودند، مانع از آن می‌شد تا مسئلهٔ زنان به‌طور جدی مَورد توجه قرار گیرد. از قرن نوزدهم به بعد متفکران مسلمان در عثمانی، مصر، ایران و هند به ضرورت ایجاد تحول در حوزه زندگی زنان به‌طور عام و موضوع آموزش و پرورش آنها به‌طور خاص پرداختند؛ زیرا رفته‌رفته زنان به عنوان عنصری فعال در جامعه نقشی پررنگ یافتند و در جنبش‌های اجتماعی نیز تا حدی شرکت داشتند. این مهم باعث شد تا متفکرانِ مردِ مسلمان به نقش مهم زنان در جامعه توجه کنند و از طرف دیگر، زنان متفکر و نوگرا نیز در نقاط مختلف جهان اسلام به اصلاح امور زنان و ضرورت توجه به آنها تأکید کنند. این موضوع در هند اهیمت بیشتری داشت؛ زیرا در این سرزمین به سبب ورود استعمار و ماندگاری بیش از دو سده، رابطه‌ای مستقیم و دوسویه میان غرب و مسیحیت و شرق و اسلام برقرار شد.

پیش از حضور انگلیسی‌ها در هند، آموزش دختران مسلمان معمولاً به فراگیری خواندن و نوشتن در مکتب‌خانه‌ها پیش از رسیدن به سن بلوغ و نیز آموزش نزد محارم محدود بود. این نوع آموزش که متأثر از سرشت سنتی تعلیم در جوامع اسلامی بود، در تقابل با نوگرایی، باعث بروز چالش‌ها و معضلات جدی شد. برای نمونه، حضور دختران در خارج از خانه و در محیط‌های آموزشی، ترس خانواده‌ها را برانگیخت و موجب مخالفت بسیاری از آنها با آموزش نوین زنان مسلمان شد.[۱] همزمان با حضور بریتانیایی‌ها در هند و پس از آشنایی مسلمانان با شیوه‌های نوین آموزشی، آموزش رسمی دختران و زنان مسلمان نیز مورد توجه قرار گرفت. برای نمونه، «سر سید احمدخان»[۲] از پیشگامان

---

۱ ن.ک. به: ادامهٔ مقاله.

۲ سید احمد خان مشهور به سرسید احمدخان (متوفای ۱۳۱۶ق) از پیشگامان نوگرایی در هند بود. او در جوانی به خدمت کمپانی هند شرقی بریتانیا درآمد و پس از قیام ۱۸۵۷ و سرکوب آن به دست بریتانیا، تمام عمر خود را صرف پیشبرد آموزش نوین مسلمانان کرد و معتقد بود تنها راه نجات مسلمانان آشنایی با علوم جدید است. برای اطلاعات بیشتر ن.ک. به: Belmekki,2010: 11-14,117-126; Hardy,1972: 95,128-131

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.7.9]

نوگرایی در هند، تنها راه پیشرفت مسلمانان و نجات آنها از شرایط نامناسب سیاسی، اجتماعی و اقتصادی پس از سقوط حکومت بابریان (۹۳۲-۱۲۷۴ق) را آموزش به شیوهٔ جدید می‌دانست. او عمر خود را صرف ایجاد کالج اسلامی «انگلو- اورینتال» (بعدها دانشگاه علیگر) در ۱۲۹۳ق/۱۸۷۷م. ۱۲۹۳/۱۸۷۷ق. کرد (حالی، ۲۰۰۷م: ۲۰۳-۱/۲۰۰؛ Nizami, 2004: 55-58). سرسید به عنوان چهره‌ای برجسته در میان نوگرایان مسلمان هند، زنان را بخش مهمی از جامعه می‌دانست و معتقد بود هیچ دینی مانند اسلام برای زنان ارزش و احترام قائل نیست. او آموزش زنان را موجب ارتقای سطح خانواده و جامعه می‌دانست، اما باور داشت که با توجه به شرایط سیاسی هند در سدهٔ نوزدهم، به‌ویژه پس از قیام ۱۸۵۷ اولویت آموزش با مردان مسلمان است تا از این طریق بتوانند در رقابت با هندوان مناصب و مشاغل بیشتری را به دست آورند. در نتیجه، در چنین شرایطی آموزش در حد خواندن و نوشتن را برای زنان کافی می‌دانست (رزاقی، ۱۹۶۳م: ۲۲۷-۲۳۴؛ Nizami, 2004: 55). بدین ترتیب، نهضتی که سرسید در ارتباط با آموزش مسلمانان به شیوهٔ جدید در علیگر پدید آورد، زمینه را برای ایجاد تحولات در حوزهٔ آموزش زنان مسلمان نیز فراهم کرد. برای نمونه، «شیخ محمد عبدالله» از شاگردان سرسید و از فارغ‌التحصیلان دانشگاه علیگر، همهٔ عمر خود را صرف آموزش زنان مسلمان کرد. او نیز به مانند سرسید معتقد بود آموزش زنان موجب پیشرفت خانواده و جامعه می‌شود و به همین دلیل در جلسه سالانهٔ کنفرانس آموزش مسلمانان سراسر هند[1] در ۱۳۱۹ق/۱۹۰۲م، در دهلی پیشنهاد ایجاد بخش آموزش زنان را داد که این درخواست با حمایت‌های سلطان جهان‌بیگم تصویب شد و بدین ترتیب، کنفرانس آموزشی زنان مسلمان هند[2] شکل گرفت. پس از ایجاد این بخش، شیخ محمد عبدالله کوشید تا اجازهٔ تأسیس مدرسه‌ای دخترانه را نیز به دست آورد و سرانجام در ۱۳۲۱ق/۱۹۰۴م. درخواست او مورد موافقت اعضای کنفرانس آموزشی قرار گرفت و پس از گذشت دو سال با وجود مخالفت‌هایی که از جانب شماری از علما وجود داشت، مدرسهٔ دخترانهٔ علیگر با حمایت‌های سلطان جهان‌بیگم تأسیس شد (شیخ محمد عبدالله، ۲۱۰-۲۲۶؛ Avari, 2013: 210-211).

1 All India Muhammadan Educational Conference
2 All India Muslim Women's Education Conference

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.7.9]

همزمان با تغییر و تحولاتی که در حوزهٔ نظری و عملی آموزش و به‌ویژه آموزش دختران و زنان مسلمان در سدهٔ نوزدهم و بیستم میلادی توسط روشنفکران مسلمان هندی انجام شد، در بخش‌هایی از هند به مرکزیت بوپال[1] حکومتی وجود داشت که اساساً ماهیتی زنانه داشت و مهم‌ترین حکمرانان آن زنان بودند. این حکومت که به بیگم‌های بوپال موسوم است، از جهات چندی دربارهٔ بحث نوگرایی زنان حائز اهمیت است. نخست آنکه نگرش زنانهٔ حکمرانان، بحث زنان و به‌ویژه آموزش آنها را در کانون توجه قرار می‌داد. دوم آنکه رابطهٔ نزدیک این حکومت با انگلیسی‌ها باعث آشنایی نزدیک و مستقیم این حکمرانان زن با اندیشه‌های نوین غربی شد که در این میان، مسائل زنان نیز سهم عمده‌ای داشت. مشهورترین حاکم زن این سلسله سلطان جهان‌بیگم بود که در اندیشه و عمل او توجه به بحث نوگرایی آموزش زنان اهمیت بسیاری داشت و کوشید تا شرایط زندگی آنها را از طریق ارائهٔ آموزش‌های جدید بهبود ببخشد. آشنایی او با زبان‌های مختلف به‌ویژه انگلیسی و نیز سفرهای او به اروپا و عثمانی و رویارویی نزدیک با فرهنگ اروپایی، از جمله مهم‌ترین عواملی بود که بحث نوگرایی را به شکل کلی و موضوع نوگرایی در آموزش زنان را به شکل خاص در ذهن و زبان و اقدامات او برجسته کرد. نگارندگان نوشتار حاضر بر آن‌اند تا به این سؤال پاسخ دهند که سلطان جهان‌بیگم به عنوان حاکم مسلمان، برای نوسازی آموزش زنان مسلمان هند دست به چه اقداماتی زد. برای پاسخ به این پرسش باید به دو سؤال زیر نیز پاسخ داد:

۱. از نظر سلطان جهان‌بیگم آموزش زنان مسلمان هند به شیوهٔ نوین چه ضرورتی داشت و موانع پیش روی آن چه بود؟

۲. سلطان جهان‌بیگم برای عملی ساختن اهداف خود دربارهٔ آموزش و پرورش نوین زنان، چه اقدامات نظری و عملی انجام داد؟

دربارهٔ موضوع پژوهش حاضر تحقیق مستقلی انجام نگرفته است، اما مهم‌ترین پژوهش انجام شده دربارهٔ اقدامات بیگم‌های بوپال کتاب *زنان مسلمان، اصلاحات و حمایت‌های امیرانه*[2] نوشتهٔ لامبرت هارلی[3] (۲۰۰۷) و مقالهٔ «اصلاحات اجتماعی و آموزشی نواب

1 Bhopal
2 Muslim women, Reform and Princely Patronage
3 lambert-Hurley

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.7.9]

سلطان جهان‌بیگم»[1] تألیف تهینه اسلام[2] است (۲۰۱۴). تفاوت‌های نوشتار حاضر با دو اثر پیش‌گفته به قرار زیر است:

۱. کتاب هارلی با آنکه اثری محققانه و ارزشمند است، به پیش‌زمینه‌ها و عوامل مؤثر در روند شکل‌گیری اقدامات نوگرایانهٔ سلطان جهان بیگم نپرداخته است. این پیش‌زمینه‌ها بستر فهم بهتر اقدامات سلطان جهان‌بیگم را فراهم می‌سازد. ضمن اینکه کتاب هارلی به سبب عمومیت و کلیت موضوع، تمرکز کمتری بر اقدامات سلطان جهان‌بیگم در حوزهٔ آموزش زنان دارد؛ درحالی‌که در این مقاله بر اقدامات آموزشی وی در زمینهٔ نوگرایی در آموزش زنان مسلمان هند تمرکز شده است.

۲. مقالهٔ تهینه اسلام بسیار مختصر و ناقص است و صرفاً مروری بسیار گذرا بر برخی اقدامات سلطان جهان‌بیگم در حوزه‌های مختلف است.

۳. به‌طور کلی مقالهٔ حاضر بدان سبب که هم در میان فارسی‌زبانان تا کنون نوشته‌ای دربارهٔ نوگرایی‌های آموزشی سلطان جهان‌بیگم نگاشته نشده و هم از این نظر که تقریباً کامل کنندهٔ دو تحقیق پیش است و فقط بر اقدامات سلطان جهان‌بیگم تأکید دارد و اطلاعات دسته‌بندی شده و متمرکزی را در اختیار قرار می‌دهد، از دو اثر پیش‌گفته متمایز است.

زندگی و زمانهٔ سلطان جهان‌بیگم

سلطان جهان‌بیگم آخرین بیگم بوپال[3] در ۱۲۷۴ق. در بوپال[4] به دنیا آمد. مادربزرگ او «سکندربیگم» (حک: ۱۲۶۴–۱۲۸۴) تأکید و وسواس بسیاری در تعلیم و تربیت او داشت

1 Social and Educational Reforms of Nawab Sultan Jahan Begum
2 Tuhina Islam
۳ همزمان با تضعیف حکومت مغولان هند، حکومت‌های محلی متعددی در سراسر هند با عنوان نواب پدید آمدند که یکی از مهم‌ترین آنها حکومت نواب بوپال بود. حکومت نواب بوپال را می‌توان به دو دوره حکومت مردان (نواب) و حکومت زنان (بیگم‌ها) تقسیم‌بندی کرد. حکومت مردان از به قدرت رسیدن دوست‌محمدخان (حک:-۱۱۱۹ ۱۱۴۱ق) آغاز شد و تا حکومت نواب نظرمحمدخان (حک: ۱۲۳۲-۱۲۳۵ق) ادامه داشت. مهم‌ترین رویدادهای مربوط به دوره نخست حکومت نواب بوپال، نبردهای متعدد آنها با مراته (Maratha) و نظام‌های حیدرآباد بود که سرانجام با عهدنامه ۱۸۱۸ م بین انگلستان و نواب نظرمحمدخان، نواب بوپال تحت‌الحمایگی انگلستان را پذیرفتند و بدین ترتیب، این جنگ‌ها پایان یافت. دوره دوم حکومت نواب بوپال، با درگذشت نواب نظرمحمدخان و به قدرت رسیدن قدسیه‌بیگم (حک: ۱۲۳۵-۱۲۵۳ق) که به نیابت از جانب دخترش حکومت را در دست داشت، آغاز شد و با حکومت سلطان جهان‌بیگم آخرین بیگم بوپال و به قدرت رسیدن نواب حمیدالله‌خان (حک: ۱۳۴۵-۱۳۶۹ق) آخرین نواب بوپال پایان یافت (برای اطلاعات بیشتر ن.ک. به: شیرازی و بیات، ۱۳۹۷: ۷۶-۷۵).
۴ امروزه مرکز ایالت مدهیاپرادش در هند.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.7.9]

و همین امر باعث شد تا سلطان جهان‌بیگم علاوه بر زبان اردو، از همان کودکی با زبان‌های مختلف مانند فارسی، عربی و انگلیسی نیز آشنا شود (سلطان جهان‌بیگم، ۱۳۲۸ق: ۳۸-۵۵، ۶۶؛ Khan, 2000: 112). او پس از درگذشت مادرش شاه‌جهان‌بیگم (حک: ۱۲۸۴-۱۳۱۹ق)، در ۱۳۱۹ق. به حکومت بوپال رسید. سلطان جهان‌بیگم مناسبات دوستانه‌ای با انگلیسی‌ها داشت[۱] و برای جشن تاج‌گذاری جرج پنجم[۲] به لندن دعوت شد. در این سفر علاوه بر بازدید از لندن و شهرهای دیگر بریتانیا، از شهرهای مختلف اروپا مانند روم، ژنو، پاریس، ونیز، فلورانس و استانبول نیز دیدن کرد و با مظاهر تمدن غرب بیش از پیش آشنا شد و تحت تأثیر آن قرار گرفت. او در ۱۳۴۴ق/۱۹۲۴م. برای دومین بار به لندن رفت و با جرج پنجم دیدار کرد و رضایت او را برای جانشینی پسر کوچکش حمیدالله‌خان به دست آورد و خود از حکومت بوپال کناره گیری کرد (سلطان جهان‌بیگم، ۱۳۳۱الف: ۱-۲، ۲۳؛ همو، ۱۳۳۲الف: ۱۳۵-۱۴۹؛ Khan, 2000: 174-179). او پس از کناره‌گیری از حکومت نیز تمام وقت خود را صرف فعالیت‌های اجتماعی مرتبط با زنان کرد و سرانجام در ۱۳۴۹ق. درگذشت. حکومت سلطان جهان‌بیگم درخشان‌ترین دورهٔ حکومت بیگم‌های بوپال، به‌ویژه به لحاظ فرهنگی بود. در دورهٔ حکومت او بوپال به‌ویژه در حوزه‌های تعلیم و تربیت زنان و دختران، بهداشت و سلامت و مواردی از این دست پیشگام بود. سلطان جهان‌بیگم نه تنها در قلمرو خود که در سراسر هند از مشوقان آموزش بود و در سال ۱۳۲۹ ریاست اجلاس زنان سراسر هند را برعهده گرفت و در سال ۱۳۳۰ نیز اجلاس آموزش مسلمانان هند را پایه‌گذاری کرد و خود به ریاست آن رسید. او همچنین از حامیان دانشگاه اسلامی علیگره بود و در ۱۳۳۹ نایب‌السلطنه هند او را به عنوان نخستین رئیس این دانشگاه انتخاب کرد (Khan, 2000: 179-180). بررسی جنبه‌های مختلف اقدامات سلطان جهان‌بیگم، به پژوهش‌های مستقل و متعدد نیاز دارد.[۳] در نوشتار پیش رو با توجه به اهمیت بحث نوسازی آموزش زنان

---

۱ پس از عهدنامه ۱۸۱۸ نواب و بیگم‌های بوپال تحت‌الحمایه بریتانیا بودند و سلطان جهان‌بیگم نیز که همزمان با حکومت او رویدادهای مهمی مانند جنگ جهانی اول و نیز جنبش خلافت که از عثمانی در مقابل انگلستان حمایت می‌کرد شکل گرفته بود، همچنان نسبت به انگلستان وفادار بود و ارتش بوپال به شرط اینکه در جنگ علیه عثمانی به کار گرفته نشوند، در جنگ جهانی اول به ارتش انگلستان پیوست.

2 George V

۳ برای نمونه، به منظور آشنایی با اقدامات سلطان جهان‌بیگم در حوزه تاریخ‌نگاری، ن.ک. به: شیرازی و بیات، ۱۳۹۷، شماره ۳۶.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.7.9]

مسلمان هند و جایگاه سلطان جهان‌بیگم به عنوان یک زن مسلمان حاکم، تنها به اقدامات او برای ترویج آموزش دختران و زنان مسلمان به شیوهٔ جدید پرداخته شده است.

ضرورت آموزش دختران و زنان مسلمان و موانع آن از نگاه سلطان جهان‌بیگم

از جمله عواملی که باعث توجه سلطان جهان‌بیگم به ضرورت آموزش زنان مسلمان شد، می‌توان به این موارد اشاره کرد: از یک سو جنسیت او و به عنوان یک زن، درک‌ش را از موانع و مشکلات پیش روی آموزش دختران و زنان مسلمان افزایش می‌داد و از سوی دیگر، آشنایی او با زبان انگلیسی و روابط دوستانه با بریتانیایی‌ها و حضور آنها در بوپال موجب شناخت بیشتر سلطان جهان‌بیگم از شیوه‌های جدید آموزشی می‌شد؛ به‌ویژه آنکه زنان بریتانیایی حاضر در هند نیز در روند آشنایی سلطان جهان‌بیگم با آموزش‌های جدید غربی در حوزهٔ زنان بسیار تأثیرگذار بودند. بدین ترتیب، آموزش دختران و زنان مسلمان به شیوهٔ جدید به یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین دل‌مشغولی‌های سلطان جهان‌بیگم تبدیل شد و در دیدارهای رسمی و غیررسمی دربارهٔ آن سخن می‌گفت (زبیری، ۱۳۳۷ق: حصه دوم، ۱۲–۱۳، ۷۳؛ Preckel, 2000: 118, 180). او معتقد بود اگر دختران و زنان مسلمان آموزش ببینند، در آینده همسران و مادران بهتری خواهند بود و در نتیجه سطح فرهنگی و اجتماعی خانواده و به دنبال آن، جامعه ارتقا خواهد یافت (رضیه، ۲۰۱۱م: ۱۴۶–۱۴۸؛ Preckel, 2000: 180-181). بنابراین او با دیدگاه افرادی مانند سرسید دربارهٔ آموزش دختران و زنان مسلمان مخالف بود و برای بیان ضرورت ارائهٔ آموزش به زنان در کنار مردان، زن و مرد را به دو بال یک پرنده تشبیه کرد. از نظر او نه تنها آموزش زنان مانند آموزش مردان لازم است، بلکه آموزش زنان با توجه به جایگاه و نقش تربیتی آنها در خانواده و جامعه، نسبت به آموزش مردان از اهمیت بیشتری برخوردار است. تفاوت اصلی او با متفکرانی چون سرسید احمدخان و شیخ محمد عبدالله دقیقاً در همین نگاه ویژه و نیز تأکید او بر این نکته بود که آموزش زنان نباید تنها به خواندن و نوشتن و آموزش‌های نظری محدود شود، بلکه باید جنبهٔ عملی و کاربردی داشته باشد تا زنان بتوانند کیفیت زندگی خود، خانواده و جامعه را بهبود

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.7.9]

ببخشند.[۱] او همچنین باور داشت که بهترین نوع آموزش، ترکیبی از آموزش‌های سنتی و جدید است و به همین دلیل همان‌گونه که مخالف آموزش به شیوهٔ صرفاً سنتی بود، مخالف حضور مسلمانان -از جمله فرزندان خود- در مدارس بریتانیایی بود که به علوم اسلامی توجه نداشتند (سلطان جهان‌بیگم، ۱۳۳۱الف: ۱۷۴-۱۷۵، ۲۰۵؛ زبیری، ۱۳۳۷ق: حصه دوم، ۶۷-۶۹؛ رضیه، ۲۰۱۱م: ۱۴۵). از این رو، به نظر می‌رسد علاوه بر آنکه او کاملاً تحت تأثیر تفکرات غربی در حوزهٔ آموزش بود، زمینهٔ سنتی زنان و مسلمانان هند را نیز در نظر می‌گرفت. بدون تردید، سلطان جهان‌بیگم می‌دانست که اگر تأکید بیش از حدی بر آموزش غربی داشته باشد، اقدامات او مخالفان بیشتری خواهد یافت؛ به همین دلیل سعی کرد نگاهی متعادل‌تر به بحث نوگرایی در آموزش زنان داشته باشد. این نگاه می‌توانست چند پیامد مهم و اساسی داشته باشد:

۱. اصلاحات او به عنوان نوگرایی‌هایی که هم جهان سنتی اسلامی و هم جهان مدرن غربی را در مدّ نظر داشت، اقداماتی دوسویه بود و به همین دلیل می‌توانست مورد توجه گروه‌های سنتی و نوگرا قرار بگیرد و راه را برای اجرای این اقدامات هموار کند.

۲. از طرف دیگر، خود سلطان جهان‌بیگم به عنوان یک زن مسلمان حاکم که به‌طور قطع حکمرانی‌اش در جامعه با انتقاداتی مواجه بود، به مثابه زنی متجدد مطرح می‌شد و همین امر پیشبرد مقاصدش را با سهولت بیشتری همراه می‌کرد.

۳. این دیدگاه متعادل باعث جذب بیشتر اقشار مختلف زنان و دختران مسلمان می‌شد. این سخن بدین معناست که تأکید او بر آموزش سنتی در کنار آموزش مدرن، برای قشرهای پایین جامعه هم می‌توانست جذاب باشد؛ به‌ویژه آنکه آموزش‌های جدید برای زنان طبقاتِ پایین جامعه ضروری تلقی می‌شد.

نوشته‌های سلطان جهان‌بیگم -به مثابه یک زن حاکم- در کتاب *گوهر اقبال نشان* می‌دهد که او توجه به بحث آموزش زنان و دختران مسلمان را جزو وظایف خود می‌دانست (۱۳۳۱الف: ۱۶۶-۱۶۷). سلطان جهان‌بیگم برخلاف افرادی چون شیخ محمد

---

۱ تأکید سلطان جهان‌بیگم بر جنبهٔ عملی آموزش در کنار آموزش نظری موجب شد او در کنار ساخت مدرسه فنی حرفه‌ای و پرستاری، کتاب‌هایی نیز در حوزه‌های بهداشت و سلامت، اصول خانه‌داری به شیوه نوین و تربیت کودکان تألیف یا ترجمه کند یا زیر نظر او این کارها انجام شود (برای تأکید سلطان جهان‌بیگم بر جنبه عملی آموزش ن.ک. به: زبیری، ۱۳۳۷ق: ۶۷-۶۹؛ نیز ادامه مقاله).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.7.9]

عبدالله و سرسید، برای اجرای برنامه‌های خود با مشکلات مالی کمتری روبه‌رو بود. البته او با دشواری‌های دیگری برای اجرای برنامه‌های خود روبه‌رو بود که مهم‌ترین آنها عبارت بود از:

۱. بیشتر خانواده‌های مسلمان و سنت‌گراها با حضور دختران و زنان مسلمان در خارج از خانه و مدارس جدید مخالف بودند و آن را خلاف شرع و در تضاد با حفظ عفت و نیز مغایر با حجاب زنان مسلمان می‌دانستند.

۲. فقدان معلمان زن مسلمان –که به‌ویژه با زبان انگلیسی آشنایی داشته باشند– از دیگر مشکلات پیش روی سلطان جهان‌بیگم بود.

۳. فقدان منابع درسی مناسب برای دختران و زنان مسلمان به زبان اردو و نیز عدم آشنایی دختران و زنان مسلمان با زبان انگلیسی، از دیگر مشکلات سلطان جهان‌بیگم بود. سلطان جهان‌بیگم کوشید در کنار ساخت مدارس و مراکز آموزشی خاص دختران و زنان مسلمان، با اقداماتی که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت، این مشکلات را نیز تا حد ممکن برطرف کند[۱] (سلطان جهان‌بیگم در شرح زندگی خود، از این مشکلات به عنوان مهم‌ترین موانع پیش روی خود برای نوسازی آموزش زنان مسلمان هند نام برده است. برای مشکلات پیش روی سلطان جهان‌بیگم، ن.ک. به: سلطان جهان‌بیگم، ۱۳۳۱الف: ۱۶۷–۱۶۹؛ زبیری، ۱۳۳۷ق: حصه دوم، ۵۹–۶۰).

اقدامات سلطان جهان‌بیگم برای ترویج آموزش دختران و زنان مسلمان

سلطان جهان‌بیگم برای ترویج آموزش زنان مسلمان، علاوه بر بحث و گفت‌وگو و ارائهٔ نظرات مختلف، در عمل نیز دست به اقداماتی زد. گفته‌های او در سخنرانی‌ها و مقالات و آثارش، با اقدامات عملی او حمایت و پشتیبانی شد و نتیجه‌ای مطلوب در پی داشت. درواقع این نکته که او به عنوان یک حکمران، هم از قدرت اقتصادی مناسب برای پیشبرد اهداف

۱ مشکلاتی از این دست تنها محدود به بوپال و اقدامات سلطان جهان‌بیگم نبود، بلکه تقریباً در دیگر مناطق شبه‌قاره هند نیز در آغاز سده بیستم میلادی چنین مشکلاتی وجود داشت؛ چنان‌که شیخ محمد عبدالله نیز به عنوان یکی از پیشگامان نوگرایی در آموزش زنان مسلمان هند و در علیگر، تقریباً با همین مشکلات روبه‌رو بود و برای برطرف کردن آنها تلاش‌های بسیاری انجام داد (برای مشکلات شیخ محمد عبدالله و اقدامات او ن.ک. به: شیخ محمد عبدالله، ۱۹۶۹م: ۲۱۵-۲۳۸،۲۲۰-۲۴۰).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.7.9]

خود برخوردار بود و هم قدرت سیاسی این کار را داشت، دو سویه‌ای بود که تفکرات نظری او را به جنبه‌های عملی اهدافش پیوند می‌داد. از این رو، می‌بایست راهکارهای او دربارهٔ آموزش نوین زنان را در حوزهٔ عملی و نظری مورد بررسی قرار داد.

الف. حوزهٔ عملی

ساخت مدارس و مراکز آموزشی

مدرسهٔ سلطانیه: سلطان جهان‌بیگم در ۱۳۲۰ق/ ۱۹۰۳م. «مدرسهٔ سلطانیه» را برای آموزش دختران مسلمان در نزدیکی کاخ خود در بوپال بنا کرد. او برای جلب توجه سنت‌گراها و کاستن از مخالفت آنها و خانواده‌هایی که مخالف حضور دختران خود در مدارس بودند، وسایل نقلیه‌ای را برای رفت‌وآمد آنها به خانه و مدرسه اختصاص داد تا این‌گونه از رفت‌وآمد دختران در سطح شهر و مشکلات احتمالی که ممکن بود برای آنها ایجاد شود، جلوگیری کند. این راهکار اقدامی مناسب بود تا او بتواند نظر سنت‌گراهای متعصب را که مخالفتی جدی با حضور زنان در اجتماع داشتند، جلب کند. با این کار امنیت روانی و اجتماعی دختران و زنانی که قصد حضور در مدرسه را داشتند نیز فراهم می‌شد. در ۱۳۳۴ق/۱۹۱۷م. سلطان جهان‌بیگم به دنبال تجربهٔ موفقش در تأسیس خوابگاه دخترانهٔ دانشگاه علیگر در ۱۳۳۳ق/۱۹۱۶م، خوابگاهی به مدرسهٔ سلطانیه نیز افزود. این اقدام مخالفت‌های پیش‌آمده دربارهٔ مشکل رفت‌وآمد دختران و زنان به مدرسه را دوباره کاهش داد. پس از افتتاح خوابگاه، رفت‌وآمد دختران در معابر عمومی کمتر از پیش شد و از شدت مخالفت‌ها کاسته شد. در نتیجهٔ تأسیس خوابگاه، دانش‌آموزان بیشتری در مدرسه ثبت نام کردند (سلطان جهان‌بیگم، ۱۳۳۱ب: ۱۶۶-۱۶۷؛ زبیری، ۱۳۳۷ق: حصه دوم، ۶۲-۶۳).

پس از تأسیس مدرسهٔ سلطانیه، بحث مواد درسی مناسب برای دختران مسلمان مطرح شد و در نهایت او آموزش حساب، جغرافیا، تاریخ، اقتصاد، زبان‌های فارسی، انگلیسی و اردو و نیز قرآن و علوم دینی را به عنوان مواد آموزشی انتخاب کرد. گویا این مواد آموزشی در دیگر مدارس (جز مدرسه پرستاری، پزشکی و فنی حرفه‌ای) نیز تدریس می‌شد. او همچنین برای جبران فقدان معلمان زن مسلمان که به شیوهٔ جدید آموزش دیده باشند، به‌ناچار از سه زن مسلمان که به شیوهٔ سنتی آموزش دیده بودند اما با شیوه‌های

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.7.9]

جدید آموزشی نیز آشنایی داشتند، استفاده کرد و بعدها از معلمان اروپایی و مسیحیان هند که آموزش به شیوهٔ نوین در بین آنها زودتر از مسلمانان آغاز شده بود، بهره برد (سلطان جهان‌بیگم، ۱۳۳۱الف: ۱۶۸–۱۶۹؛ زبیری، ۱۳۳۷ق: حصه دوم، ۶۴؛ Preckel, 2000: 181-182). شیخ محمد عبدالله نیز زمانی که مدرسهٔ دخترانهٔ علیگر را تأسیس کرد، با این مشکل مواجه بود و برای حل این مشکل از نزدیکان خود از جمله همسرش برای تدریس در مدرسه استفاده کرد. این در حالی بود که نزدیکان او هیچ آموزش نوینی ندیده بودند. سلطان جهان‌بیگم دست‌کم به این نکته توجه داشت که معلمان آشنایی ضمنی با دانش نوین غربی و شیوه‌های جدید داشته باشند. تمایل او در استفاده از معلمان زن اروپایی و مسیحی هند بر این نکته تأکید دارد که تا مدت‌ها از میان زنان مسلمان کسی که شایستگی تدریس داشته باشد، تربیت نشد. این امر زمان‌بر بود و از آنجایی که مسیحیان هند زودتر به جرگهٔ نوگرایی وارد شده بودند، استفاده از آنان امری ناگزیر بود.

مدرسه فنی و حرفه‌ای آصفیه: این مدرسه به تقلید از نمونه‌های بریتانیایی آن ساخته شد. سلطان جهان‌بیگم فقر را عامل بسیاری از مشکلات زنان می‌دانست. او برای غلبه بر این مشکل و افزایش درآمد زنان مسلمان از طریق آموزش حِرَف و صنایع به آنها، این مدرسه را در ۱۳۲۳ق/ ۱۹۰۵ق بنا کرد. هرچند این مدرسه در ابتدا برای آموزش زنان فقیر و بی‌سرپرست ساخته شده بود، به دلیل شرایط فرهنگی و اجتماعی موجود که حضور زنان را در جامعه تقبیح می‌کرد، مورد استقبال زنان مسلمان قرار نگرفت. در نتیجه سلطان جهان‌بیگم برای رونق بخشیدن به این مدرسه، آن را به مدرسه‌ای برای دختران نابالغ فقیر تغییر داد و کمک‌هزینه‌ای نیز برای آنان در نظر گرفت و باعث رونق روزافزون مدرسه شد؛ چنانکه حدود بیست سال پس از تأسیس مدرسه، در ۱۳۴۳ق/۱۹۲۵م. دوازده گروه آموزشی از جمله گل‌دوزی، خیاطی، پارچه‌بافی و غیره در مدرسه فعال بود (سلطان جهان‌بیگم، ۱۳۳۱الف: ۲۶۶–۲۶۹؛ زبیری، ۱۳۳۷ق: حصه دوم، ۶۶–۶۸).

مدرسه پرستاری زنانه مینتو:[1] از جمله مهم‌ترین مدارسی که در دورهٔ حکومت سلطان جهان‌بیگم در بوپال ساخته شد، مدرسهٔ پرستاری زنانه مینتو بود که به عنوان بخش آموزشی وابسته به بیمارستان زنانه لندسون[2] (مینتو و لندسون هر دو از پزشکان

1 Lady Minto Nursing School
2 Lady Landsdowne Hospital

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.7.9]

زن بریتانیایی در بوپال بودند) فعالیت داشت (سلطان جهان‌بیگم، ۱۳۳۱الف: ۱۵۶-۱۵۸؛ زبیری، ۱۳۳۷ق: حصه دوم، ۱۳-۱۵؛ lambert Hurley, 2007: 128-131). سلطان جهان‌بیگم نبود پرستار زن در بین مسلمانان هند را موجب پایین آمدن سطح بهداشت و سلامت جامعه می‌دانست و از اینکه در سراسر هند حتی یک پرستار زن مسلمان نیز وجود نداشت، گلایه داشت. او در کتاب *گوهر اقبال* گلایه کرده است که با وجود اهمیت وجود پرستار زن در جامعه برای حفظ بهداشت و سلامت و با توجه به اینکه پرستاری به عنوان یک حرفه و تخصص علمی در اروپا از جمله بریتانیا رواج دارد، اما در سراسر هند حتی یک زن پرستار مسلمان نیز وجود ندارد. او اذعان کرده بود که به عنوان حاکم بوپال موفق نشده است برای تربیت و نگهداری فرزندان خود در خانه، یک پرستار زن مسلمان را به خدمت گیرد؛ به همین منظور در ۱۳۲۷ق/۱۹۰۹ق. مدرسه‌ای را برای آموزش پرستاری به دختران مسلمان زیر نظر پزشکان و معلمان انگلیسی تأسیس کرد که در آنجا دختران پس از پنج سال آموزش، فارغ‌التحصیل و به عنوان پرستار برای کار در بیمارستان‌ها و مراکز بهداشتی و نیز خانه‌ها آماده می‌شدند (سلطان جهان‌بیگم، ۱۳۳۱الف: ۲۱-۲۳؛ زبیری، ۱۳۳۷ق: حصه دوم، ۶۹). با توجه به نرخ بالای مرگ و میر مادران و نوزادان، آموزش قابله‌های سنتی نیز مورد تأکید قرار گرفت. به دستور سلطان جهان‌بیگم قابله‌ها و دختران آنها موظف بودند در این مدرسه‌ها حاضر شوند و دوره‌های شش ماههٔ آموزشی را بگذرانند و پس از موفقیت در آزمونی که توسط پزشکان بریتانیایی برگزار می‌شد، اجازه فعالیت پیدا می‌کردند. به دستور سلطان جهان‌بیگم از فعالیت قابله‌هایی که در این دوره‌ها و آزمون آن شرکت نمی‌کردند، جلوگیری به عمل آمد و با متخلفان به شدت برخورد شد (سلطان جهان‌بیگم، ۱۳۳۱الف: ۲۱-۲۴؛ lambert- Hurley, 2007: 130-132).

کانون زنانه شاهدخت ولز:[1] یکی از مهم‌ترین مشکلات سلطان جهان‌بیگم برای گسترش آموزش دختران و زنان مسلمان در هند، مخالفت گروه‌های سنت‌گرا و خانواده‌ها با حضور زنان و دختران در اجتماع و مدارس به بهانهٔ مغایرت این موضوع با شرع و حجاب بود؛ به همین دلیل او برای تشویق زنان و دختران به حضور در جامعه،

1 Princess of Wales Ladies' Club

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.7.9]

«کانون زنانهٔ شاهدخت ولز» را تأسیس کرد.[۱] هدف از ایجاد این کانون که به تقلید از نمونه‌های آن در بریتانیا ساخته شده بود، علاوه بر برگزاری نشست‌های آموزشی مرتبط با زنان، تشویق زنان مسلمان به حضور در جامعه و به دنبال آن مدارس و مراکز آموزشی بود. این کانون در ۱۳۲۲ق/ ۱۹۰۵ق. تاسیس و به صورت رسمی در سال ۱۳۲۵ق/۱۹۰۸ در ساختمانی مجلل افتتاح شد و به محلی برای برگزاری نشست‌های مرتبط با زنان، از جمله آموزش زنان مسلمان و همنشینی آنها با زنان بریتانیایی تبدیل شد که در این نشست-ها معمولاً سلطان جهان‌بیگم نیز حضور داشت و سخنرانی‌هایی در ارتباط با موضوعات بهداشت و سلامت زنان و نیز لزوم توجه به آموزش زنان ارائه می‌شد. سلطان جهان‌بیگم در سال ۱۳۳۶ق/ ۱۹۱۹ مدرسه‌ای برای زنان به عنوان بخشی از کانون، بنیان نهاد که وظیفهٔ آن آموزش صنایع دستی و هنرهایی مانند گل‌دوزی، خیاطی و پارچه‌بافی و نیز آموزش‌های مرتبط با بهداشت و سلامت خانواده، مانند کمک‌های اولیه و اصول خانه‌داری به زنان مسلمان بود (سلطان جهان‌بیگم، ۱۳۳۱الف: ۲۵-۲۷، ۲۳۵-۲۳۶؛ زبیری، ۱۳۳۷ق: حصه دوم، ۷۲-۸۲؛ رضیه، ۲۰۱۱م: ۱۸۷-۱۹۳، ۱۵۰، ۱۹۳).

سایر اقدامات: سلطان جهان‌بیگم به منظور ترویج آموزش دختران مسلمان، مدارس متعدد دیگری نیز بنیان نهاد که از آن جمله می‌توان به مدرسهٔ سلیمانیه، سکندریه و حمیدیه اشاره کرد که به‌ویژه پس از صدور قانون آموزش اجباری توسط سلطان جهان‌بیگم در ۱۳۳۸ق/۱۹۲۰م، بر تعداد این مدارس و دخترانی که برای تحصیل به آن مدارس رفتند، افزوده شد[۲] (زبیری، ۱۳۳۷ق: حصهٔ دوم، ۶۵-۶۶؛ رضیه، ۲۰۱۱م: ۱۹۲-۱۹۳). اقدامات سلطان جهان‌بیگم محدود به داخل قلمرو خودش نبود، بلکه او از هر اقدامی برای بهبود آموزش دختران و زنان مسلمان در سراسر هند حمایت می‌کرد. او سفرهای متعددی به سراسر هند داشت و با افراد مختلفی دربارهٔ آموزش دختران و زنان مسلمان دیدار و گفت‌وگو کرد و مقالات و سخنرانی‌های متعددی در ضرورت توجه به

۱ شاهدخت ولز (Princess of Wales) عنوانی است برای همسر پسر بزرگ ملکه بریتانیا که لقب شاهزاده ولز (Prince of Wales) از سده‌ها پیش تا به امروز به او اطلاق می‌شود. سلطان جهان‌بیگم به احترام شاهدخت ولز، در آن زمان این کلوب را به این نام خواند.

۲ براساس این قانون دختران و پسران از دوران کودکی باید در مدارس ساخته شده به دست سلطان جهان‌بیگم ثبت نام می‌کردند و به صورت رسمی آموزش می‌دیدند.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.7.9]

آموزش زنان ارائه کرد. هرچند مهم‌ترین اقدام او در خارج از بوپال حمایت‌های مالی از دانشگاه اسلامی علیگر و برنامه‌های آموزشی آن بود (سلطان جهان‌بیگم، ۱۳۳۱الف: ۹۲-۹۳، ۱۱۰؛ زبیری، ۱۳۳۷ق: حصه دوم، ۸۵-۸۶؛ رضیه، ۲۰۱۱م: ۱۹۶-۲۰۱؛ Islam, 2014: 49-50)، او اقدامات متعددی برای ترویج آموزش دختران و زنان مسلمان در سراسر هند نیز انجام داد. سلطان جهان‌بیگم در سال ۱۳۱۹ق/ ۱۹۰۲م. در جلسهٔ سالانه کنفرانس آموزشی مسلمانان سراسر هند در دهلی شرکت کرد. او در این کنفرانس با شیخ محمد عبدالله دیدار و با پیشنهاد او برای ایجاد بخش آموزش زنان (کنفرانس آموزش زنان مسلمان هند) موافقت کرد و با حمایت‌های او و چند تن دیگر این پیشنهاد به تصویب رسید. سلطان جهان‌بیگم همچنین دو سال بعد در ۱۳۲۱ق/ ۱۹۰۴ق. در جلسه سالانهٔ کنفرانس آموزشی مسلمانان سراسر هند در لکنو شرکت کرد. در این جلسه با پیشنهاد و حمایت او، با وجود برخی مخالفت‌ها با تأسیس مدرسه دخترانه مسلمانان علیگر موافقت شد. دو سال پس ا ز تصویب پیشنهاد ساخت مدرسه، در ۱۳۲۳ق/۱۹۰۶م. مدرسه دخترانهٔ مسلمانان علیگر با حمایت‌های مالی سلطان جهان‌بیگم ساخته شد. سلطان جهان‌بیگم همواره از شیخ محمد عبدالله و مدرسه‌ای که او بنا کرده بود، حمایت می‌کرد. او در سال ۱۳۲۷ق/ ۱۹۱۰ و ۱۳۳۱ق/ ۱۹۱۴م. از مدرسه دخترانه علیگر دیدار کرد و برای برطرف کردن مشکلات دخترانی که از شهرهای دیگر برای تحصیل به علیگر آمده بودند، سنگ بنای ایجاد خوابگاه مدرسه را بنیان نهاد. این خوابگاه با حمایت‌های مالی او سرانجام در ۱۳۳۳ق/۱۹۱۶ افتتاح شد. به پاس این اقدامات، سلطان جهان‌بیگم در سال ۱۳۳۷ق/۱۹۲۰م. به عنوان رئیس دانشگاه علیگر انتخاب شد و به دلیل شایستگی و توانایی‌هایی که از خود نشان داده بود، ریاست او برای دو سال دیگر نیز تمدید شد (سلطان جهان‌بیگم، ۱۳۳۱الف: ۳۱۳؛ زبیری، ۱۳۳۷ق: حصه دوم، ۸۰-۸۴؛ صوفیه، ۲۰۱۸م: ۱۸۱-۱۸۵، ۱۸۸-۱۹۰).

کمک‌های مالی و حمایت‌های سلطان جهان‌بیگم به علیگر محدود نبود. او در ۱۳۲۹ق/۱۹۱۲م. برای ساخت خوابگاه مدرسه دخترانهٔ لاهور مبلغ پنج‌هزار روپیه کمک کرد. این خوابگاه به پاس حمایت‌های سلطان جهان‌بیگم، به نام او خوانده شد. در همان سال سلطان جهان‌بیگم به سید کرامت حسین[1] برای ساخت مدرسه دخترانه

۱ کرامت حسین (متوفای ۱۳۳۵) از جمله مسلمانانی بود که در انگلستان تحصیل کرد و پس از بازگشت از انگلستان

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.7.9]

لکنو کمک کرد و همچنین برای ساخت مدرسه دخترانه‌ای در پانی‌پت[1] بـه فرزنـدان الطاف حسین حالی (متوفای ۱۳۳۳) از شاعران و متفکران نـوگرای هنـد و از شـاگردان سرسید احمدخان کمک کرد و آنها نیز به احتـرام حمایـت‌هـای سـلطان جهـان‌بـیگم مدرسه را «سلطانیه» نامیدند. سلطان جهان‌بیگم همچنین برای محل برگزاری کنفـرانس آموزشی مسلمانان علیگر، در ۱۳۳۱ق/۱۹۱۴م. ساختمانی را بنا کرد که به پاس خدمات او «سلطان جهان منزل» نامیده شد (زبیـری، ۱۳۳۷ق: حصـه دوم، ۵۵-۵۹، ۸۰، ۸۵-۸۷؛ رضیه، ۲۰۱۱م: ۱۹۶-۲۰۱).

ب. حوزهٔ نظری

نشریه، سخنرانی و تألیف کتاب

نشریه اردوزبان «ظل السلطان»: سلطان جهان‌بـیگم در کنـار سـاخت مراکـز و مـدارس آموزشی، برای ترویج آموزش به شیوهٔ نوین دست به اقدامات گوناگون دیگـری نیـز زد. از جمله اقدامات مهم او برای ترویج آموزش به شیوهٔ جدید در بین زنان و دختران مسـلمان، راه‌اندازی نشریه اردوزبان *ظل السلطان* در ۱۳۳۱ق/۱۹۱۳ در بوپال بود که هدف اصلی‌اش بیان ضرورت آموزش زنان و دختران مسلمان به شـیوهٔ جدیـد و انتشـار مقـالاتی دربـارهٔ آموزش زنان و دختران مسلمان و تبیین موانع پیش رو و ارائهٔ راه‌حل‌هایی بـرای رفـع ایـن موانع بود (برای نمونه‌هایی از مقالات *ظل السلطان* ن.ک. به: سلطان جهـان‌بـیگم، ۱۹۱۸م: ۴۶-۵۰، ۵۱-۵۵؛ همـــو، ۱۹۲۹م: ۵۵-۵۷، ۶۱-۶۲). همچنـــین ســـلطان جهـــان‌بـــیگم سخنرانی‌های متعددی دربارهٔ آموزش دختران و زنان مسلمان و ضرورت آن ایراد کرد کـه مجموع این سخنرانی‌ها در *خطبات سلطانی* به چاپ رسیده است (برای نمونه‌هـایی از ایـن سخنرانی‌ها ن.ک. به: خطبات سلطانی، ۱۳۳۳ق: ۲۵۸-۲۶۲، ۲۶۸-۲۶۹، ۳۲۹-۳۲۵).

حجاب و موضوع آموزش: سلطان جهان‌بـیگم کـه بـا نگـاه سـنت‌گراهـا دربـارهٔ حجاب و مخالفت آنها با حضور زنان در سطح جامعه به بهانه حفظ حجاب و عفـاف آشنا بود، کتابی با عنوان *پرده* (*عفت المسـلمات*) را در ۱۳۳۵ق/۱۹۱۸م. بـه زبـان اردو

به آموزش دختران مسلمان توجه بسیاری داشت. او در لکنو مدرسه‌ای دخترانـه ایجـاد کـرد. بـرای اطلاعـات بیشـتر ن.ک. به: خان، ۱۳۳۶ق: ۲-۱، ۵۹-۵۶، ۹۴-۹۳.

1 Panipat

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.7.9]

تألیف کرد.[۱] سلطان جهان‌بیگم در این کتاب از حجاب و ضرورت رعایت آن توسط زنان و دختران مسلمان دفاع کرد و با نوع پوشش زنان غربی به مخالفت پرداخت. او تلاش کرد با استناد به آیات قرانی و احادیث و سنت نبوی، تعریفی از حجاب شرعی -متناسب با حجاب زنان مسلمان در صدر اسلام که به آنها اجازه حضور در جامعه را می‌داد- ارائه دهد و این‌گونه با حجاب عرفی زنان مسلمان هند -که به آنها اجازه حضور در جامعه را نمی‌داد- مخالفت کرد. درواقع، سلطان جهان‌بیگم در این کتاب کوشید با استناد به قرآن و سنت نبوی این موضوع را ثابت کند که اسلام برخلاف ادعای سنت‌گراهای جامعهٔ هند، هیچ تضاد و مخالفتی با حضور دختران و زنان مسلمان در جامعه و به دنبال آن ایجاد مدارس جدید ندارد (سلطان جهان‌بیگم، ۱۳۳۷ق: ۱-۱۰، ۴۱، ۴۹، ۵۴؛ زبیری، ۱۳۳۷ق: ۹۸-۱۰۳، ۱۰۰-۱۰۴؛ رضیه، ۲۰۱۱م: ۱۶۱-۱۶۲، ۱۹۰-۱۹۱).

بهداشت و سلامت: از جمله مشکلات پیش روی سلطان جهان‌بیگم، به‌ویژه برای آموزش‌های عملی در زمینه بهداشت و سلامت و تعلیم و تربیت کودکان، فقدان منابع آموزشی به زبان اردو از یک سو و عدم آشنایی دختران و زنان مسلمان با زبان انگلیسی از سوی دیگر بود.[۲] تأکید سلطان جهان‌بیگم بر آموزش عملی از یک سو و آشنایی او با زبان انگلیسی و مطالعه آثار انگلیسی از سوی دیگر، موجب شد تا او در کنار اقدامات گوناگونی که برای گسترش آموزش دختران و زنان مسلمان انجام داد، به تألیف و ترجمهٔ آثاری دربارهٔ آموزش موضوعات مختلف به‌ویژه بهداشت و سلامت و تعلیم و تربیت کودکان به شیوه نوین و به پیروی از غربی‌ها نیز توجه کند تا زنان و دخترانی که امکان حضور در مدارس را نداشتند، از این کتاب‌های آموزشی استفاده کنند (زبیری، ۱۳۳۷ق: ۸۶،۱۱۷؛ رضیه، ۲۰۱۱م: ۱۵۳-۱۵۵). نگاهی به آثار سلطان جهان‌بیگم و نیز آثاری که زیر نظر او گرداوری شده‌اند، نشان می‌دهد که دغدغه‌های او نسبت به پیشرفت‌های غرب در اوایل سدهٔ بیستم میلادی است.

---

۱ ترجمه انگلیسی کتاب با عنوان *Al-Hijab or why Pardah is necessary* در ۱۹۲۲م. به چاپ رسیده است.

۲ سلطان جهان‌بیگم زبان انگلیسی را می‌دانست و معتقد بود صرف آموزش به زبان مادری (اردو) برای آموزش کفایت نمی‌کند. او اهمیت بسیاری برای آموختن زبان انگلیسی و استفاده از کتاب‌هایی که به این زبان نوشته می‌شد، قائل بود و معتقد بود که تمام دختران مسلمان باید زبان انگلیسی را در حد استفاده از کتاب‌های مفید بدانند؛ زیرا در صورت غفلت از فراگیری زبان انگلیسی، آفتاب علم با غبار همراه می‌شد (رضیه،۲۰۱۱م: ۱۵۴).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.7.9]

در اواخر سده نوزدهم و اوایل سده بیستم میلادی، کتاب‌های متعددی با عنوان «پرستاری در منزل»[1] به زبان انگلیسی در غرب به منظور آموزش اصول اولیهٔ پرستاری به زنان نوشته شد. از جملهٔ این کتاب‌ها اثری از «آر.جی. بلیکهم»[2] بود که زیر نظر سلطان جهان‌بیگم به زبان اردو ترجمه شد و با عنوان *هندوستانی گھرون مین تیمارداری* در ۱۳۳۱/۱۹۱۳ به چاپ رسید. در این کتاب موضوعاتی مانند ویژگی‌ها و شرایط اتاق بیمار، تغذیه بیمار، مراقبت از بیمار، انواع پانسمان‌ها و نحوه صحیح انجام آنها آموزش داده می‌شد (بلیکهم، ۱۹۱۳م: ۱-۲، ۱۵-۱۶، ۲۲-۲۵). کتاب دیگر سلطان جهان‌بیگم *بچوں کی پرورش* بود. او در مقدمه این کتاب اشاره کرده است که درباره نگهداری و مراقبت از بچه‌ها کتاب‌های بسیاری به زبان انگلیسی نوشته شده و او نیز تعدادی از این کتاب‌ها را مشاهده و مطالعه کرده است، اما در بین مسلمانان هند چنین کتابی وجود ندارد و همین موضوع موجب شده او تصمیم به تألیف این کتاب بگیرد. سلطان جهان‌بیگم پس از مطالعهٔ چند کتاب انگلیسی دربارهٔ نگهداری از بچه‌ها و نیز ترجمهٔ بخش‌هایی از این کتاب‌ها، اثر خود *بچوں کی پرورش* را تألیف کرد و در ۱۹۱۳/۱۳۳۱ به چاپ رساند. موضوعاتی مانند بارداری، زایمان زودرس، چگونگی مراقبت از نوزادان زودرس، لباس و پوشش نوزادان، تغذیه مناسب آنها، انواع بیماری‌های شایع نوزادان و راه‌های درمان آنها از مطالب این کتاب است. سلطان جهان‌بیگم در مقدمه آورده است که مطالعهٔ این کتاب را برای آشنایی با مقدمات علم پزشکی، به‌ویژه برای مادران مهم و ضروری می‌داند. او از اینکه با وجود رواج چنین کتاب‌های آموزشی در سراسر اروپا، در بین زنان مسلمان هند چنین آموزش‌هایی با غفلت همراه شده، گلایه کرده است (سلطان جهان‌بیگم، ۱۳۳۱ب: الف، ب، ج؛ رضیه، ۲۰۱۱: ۲۲۳-۲۲۴). همچنین *کتابچه هدایات تیمارداری* که در ۱۹۱۴/۱۳۳۲ به چاپ رسید، از دیگر آثار سلطان جهان‌بیگم در حوزه بهداشت و سلامت است که اصول اولیهٔ مراقبت و نگهداری از بیماران به شیوهٔ جدید را به صورت مختصر آموزش داده و مطالعهٔ آن را برای هر زن مسلمان لازم و ضروری دانسته است (سلطان جهان‌بیگم، ۱۳۳۲ب: ۱-۲).

1 Home Nursing
2 R.J.Balikham

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.7.9]

تعلیم و تربیت کودکان: در کنار کتاب‌هایی که برای آموزش بهداشت و سلامت به شیوه نوین نوشته شد، سلطان جهان‌بیگم اثری نیز دربارهٔ تعلیم و تربیت کودکان با عنوان *تربیت الاطفال* تألیف کرد که در ۱۹۱۴/۱۳۳۲ به چاپ رسید. او در مقدمهٔ این کتاب تأکید کرده است که در دنیای مدرن و در کشورهای اروپایی کتاب‌های متعددی به زبان انگلیسی دربارهٔ اصول تربیت کودکان نوشته شده، اما در بین مسلمانان هند چنین کتابی وجود ندارد؛ به همین دلیل او تصمیم گرفت پس از مطالعهٔ چند کتاب انگلیسی درباره اصول تربیت کودکان، کتاب *تربیت الاطفال* را تألیف کند. موضوعاتی مانند آموزش اصول تربیت، آموزش موضوعات اخلاقی مانند تشویق به راستگویی و پرهیز از دروغ‌گویی، از جمله مباحثی است که در این کتاب به آن پرداخته شده است. سلطان جهان‌بیگم در این کتاب نسبت به ازدواج در سنین پایین اعتراض کرده و آن را مانعی بر سر آموزش کودکان دانسته است (سلطان جهان‌بیگم، ۱۳۳۲ج: ص، ب، ج، ۸-۱۰).

خانه‌داری

کتاب *بازگشت به خانه*[1] از جمله کتاب‌های انگلیسی‌زبانی بود که در شش جلد نوشته شده بود. سلطان جهان‌بیگم پس از مطالعهٔ این کتاب و ترجمهٔ بخش‌هایی از آن، درصدد برآمد کتابی به شیوه آن تألیف کند.[2] در نتیجه کتاب *خانه‌داری* را در سه حصه (بخش) و چهار مجلد تألیف کرد. مجلد نخست با عنوان *هدیة الزوجین* در ۱۳۳۲ق/۱۹۱۵م. در بوپال به چاپ رسید. با توجه به اینکه سلطان جهان‌بیگم زن و مرد را رکن اصلی تشکیل خانواده می‌دانست، این بخش از کتاب به موضوعات مختلف مرتبط با زندگی مشترک، نظیر حقوق و وظایف زن و مرد، ازدواج، طلاق و غیره اختصاص یافت. مجلد دوم کتاب با عنوان *حفظ صحت* در ۱۳۳۴ق/۱۹۱۶ م در بوپال به چاپ رسید. این بخش از کتاب حاصل مطالعهٔ چندین اثر انگلیسی و ترجمه بخش‌هایی از این آثار و همچنین مشورت سلطان جهان‌بیگم با پزشکان انگلیسی حاضر در بوپال بود. او در این مجلد به موضوعات

1 Back of the home

۲ هرچند از کتاب *بازگشت به خانه* به عنوان اثری برای آموزش اصول خانه‌داری به شیوه نوین نام برده شده و سلطان جهان‌بیگم نیز این اثر را مطالعه کرده است، اما مؤلفان مقاله حاضر موفق به یافتن اطلاعات بیشتر دربارهٔ این کتاب، نام نویسنده و غیره نشدند.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.7.9]

مرتبط با آموزش سلامت و بهداشت خانواده و نقش زنان در ارتقا و بهبود سلامت و بهداشت خانواده به‌ویژه فرزندان پرداخت و موضوعات گوناگونی چون چگونگی رعایت بهداشت در خوراک، نوشیدنی‌ها، پوشاک، خانه و غیره را آموزش داد. بخش سوم کتاب نیز در دو مجلد مجزا با عنوان‌های *معیشت* (آموزش امور داخل خانه چون انواع اثاثیه مورد نیاز خانه و چگونگی چیدمان و استفاده از آنها، تزئینات داخل خانه به شیوه‌های جدید و غیره) و مجلد دوم نیز با عنوان *معاشرت* (آموزش اصول مهمان‌داری و آداب پذیرایی از مهمان، آداب دید و بازدید، قواعد استفاده از خودرو و قطار و موضوعاتی از این دست) به چاپ رسیده است. سلطان جهان‌بیگم وجود کتاب‌های متعدد به زبان انگلیسی درباره اصول خانه‌داری در اروپا و فقدان چنین اثری برای زنان مسلمان هند را دلیلی برای تألیف کتاب *خانه‌داری* در چهار مجلد نام‌برده دانسته است (رضیه، ۲۰۱۱: ۲۱۶–۲۲۲).

نتیجه‌گیری

سدهٔ نوزدهم میلادی در زمینهٔ نوگرایی در جهان اسلام، سده‌ای مهم و سرنوشت‌ساز تلقی می‌شود. رویکردها و گرایش‌های مختلف، روش‌ها و شیوه‌های متفاوتی را ایجاب می‌کرد. این تفاوت‌ها در هند و در دورهٔ سلسلهٔ بیگم‌های بوپال مشخص‌تر و مشهودتر است. حاکمان زن این سلسله، هم رابطهٔ نزدیکی با حکومت انگلیسی هند داشتند و هم از آنجایی که چند تن از آنان زنان قدرتمند و تأثیرگذاری بودند، بحث نوگرایی در مسائل زنان و به‌ویژه در حوزهٔ آموزش، مورد تأکید آنان بوده است. با توجه به مطالب پیش‌گفته، نتایج حاصل از این نوشتار را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. به نظر می‌رسد اقدامات عملی و نظری سلطان جهان‌بیگم در زمینهٔ آموزش و پرورش نوین زنان مسلمان هند، در درازمدت شرایط بهتری را هم از نظر فرهنگی و هم از لحاظ اجتماعی برای آنان مهیا کرد؛ به‌ویژه آنکه در برخی مدارس تأسیس‌شده توسط سلطان جهان‌بیگم، صنایعی نیز به زنان آموزش داده می‌شد که این امر می‌توانست به بهبود اقتصاد آنها و خانواده‌هایشان یاری برساند.

۲. از آنجا که سلطان جهان‌بیگم به عنوان یک حکمران می‌توانست اقداماتش را به مرحلهٔ اجرا برساند، جنس اقدامات او در مقایسه با روشنفکران و متفکرانی که فقط در

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.7.9]

حیطهٔ نظر فعال بودند، عملیاتی‌تر و مؤثرتر بوده است؛ چنان‌که اقدامات او در حوزه بهداشت و سلامت از اهمیت بسیاری برخوردار بود.

۳. جایگاه سلطان جهان‌بیگم به عنوان یک متفکر نیز قابل بررسی است. از این رو اقدامات او فقط عملی نبود، بلکه در حوزهٔ نظر نیز فعالیت‌های قابل توجهی از او باقی مانده است که آثارش را می‌توان جزو مهم‌ترین فعالیت‌های نظری او به حساب آورد.

۴. به نظر می‌رسد در دیدگاه نوگرایانهٔ سلطان جهان‌بیگم نهاد خانواده به مثابه نخستین کانون اجتماعی که فرد در آن تربیت می‌یافت، از اهمیت قابل توجهی برخوردار بود. تألیف آثاری دربارهٔ تربیت فرزندان و نیز روابط زوجین با یکدیگر، از جمله عواملی است که این رویکرد او را آشکار می‌کند.

۵. سلطان جهان‌بیگم برخلاف متفکران و روشنفکرانی مانند سرسید احمدخان و شیخ محمد عبدالله که بر جنبهٔ نظری علم‌آموزی تأکید داشتند، بیشتر بر رویهٔ عملی آموزش و پرورش تأکید داشت. تألیف کتاب‌هایی در زمینهٔ خانه‌داری، سلامت و بهداشت بر این دیدگاه سلطان جهان‌بیگم صحه می‌گذارد.

منابع و مآخذ

- بلیکهم، آر. جی. (۱۹۱۳)، *هندوستانی گهرون مین تیمارداری*، ترجمهٔ سلطان جهان‌بیگم، آگره: مطبع عام مفید.
- حالی، الطاف حسین (۲۰۰۷)، *حیات جاوید*، ج۱، لاهور: بک تاک.
- خان، حامدعلی (۱۳۳۶ق)، *حیات مولانا کرامت حسین*، لکنو: مطبع الناظر.
- *خطبات سلطانی*، یعنی علیا حضرت نواب سلطان جهان بیگم صاحبه (۱۳۳۳ق/۱۹۱۳م)، تصحیح محمد حمیدالله‌خان، بهوپال: مطبع سلطانی ریاست بهوپال.
- رزاقی، شاهد حسین (۱۹۶۳)، *سر سید اور اصلاح معاشره*، لاهور: اداره ثقافت الاسلامیه.
- رضیه، حامد (۲۰۱۱م)، *نواب سلطان جهان‌بیگم*، بهوپال: باب العلم پبلیکشتر.
- زبیری، محمدحسین (۱۳۳۷ق/۱۹۱۸م)، *بیگمات بهوپال*، بهوپال: مطبع سلطانی ریاست بهوپال.
- سلطان جهان‌بیگم (۱۳۳۲الف/۱۹۱۳م)، *اختر اقبال (یعنی حصه دوم گوهر اقبال)*، آگره: مطبع مفید.
- ..... (۱۳۳۲ب/۱۹۱۴م)، *هدایات تیمارداری*، بهوپال: مطبع ریاست بهوپال.
- ..... (۱۳۳۲ج/۱۹۱۴م)، *تربیت الاطفال*، بهوپال: مطبع ریاست بهوپال.
- ..... (۱۳۲۸)، *تزک سلطانی (یعنی دفتر چهارم تاج الاقبال)*، بهوپال: مطبع سلطانی.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.7.9]

- ..... (۱۳۳۱الف/۱۹۱۳م)، *گوهر اقبال*، بهوپال، مطبع سلطانی.
- ..... (۱۳۳۱ب/۱۹۱۳م)، *بچون کی پرورش*، بهوپال: مطبع ریاست بهوپال.
- ..... (۱۹۱۹/۱۳۳۷)، *پرده*، آگره: [بی‌نا].
- ..... (نومبر ۱۹۱۸)، *ظل السلطان*، صص ۴۶-۵۵.
- ..... (دسمبر ۱۹۲۹)، *ظل السلطان*، صص ۵۵-۶۲.
- شیخ محمد عبدالله (۱۹۶۹)، *مشاهدات و تأثرات*، به اهتمام ممتاز جهان حیدر، دهلی: جمال پرنتنگ پریس.
- شیرازی، سعید و علی بیات (بهار ۱۳۹۷)، «بیگم‌های بوپال (بهوپال) و تاریخ‌نگاری، *مطالعات تاریخ اسلام*، س ۱۰، ش ۳۶، صص ۶۹- ۹۰.
- صوفیه، یوسف (۲۰۱۸)، *مسلم ایجوکیشنل کانفرنس کی اردو خدمات*، کراچی: انجمن ترقی اردو پاکستان.
- Avari, Burjor (2013), *Islamic civilization in south Asia, a history of Muslim power and presence in Indian Subcontinen*t, NewYork: Routledge.
- Belmekki, Belkacem (2010), *Sir Sayyid Ahmad Khan and The Muslim cause in British India*, Berlin.
- Hardy, P (1972), *The Muslims of British India*, Cambridge.
- Islam, Tuhina (August 2014), "Social and Educational Reforms of Nawab Sultan Jahan Begum", *The International Journal Of Humanities & Social Studies*, Vol 2, Issue 8.
- Khan, M. Shaharyar (2000), *The Begums of Bhopal a Dynasty of Women Rulers in Raj India*, NewYork-London: I.B.Tauris Publishers.
- Lambert- Hurley, Siobhan (2007), *Muslim women, reform and princely patronage Nawab Sultan Jahan Begam of Bhopal*, London and NewYork: Routledge.
- Preckel, Claudia (2000) , *Begums of Bhopal*, NewDelhi: Syndicate Binder.
- Nizami, K.A (2004), *Sayyid Ahmad Khan*, NewDelhi: Publication Division, Ministry of Information and Broadcasting, Govt of India.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.7.9]